

جای اداره: کما

مدیر میزافلا حسین کمانی

نگارشات و مکاتیب باید

بنوان ذیل باشد

عوض: جنگلی

کتابخانه

۱۳۳۵

بازیح یوم شنبه غرة ثوال ۱۳۳۵

مکته بهت شامی

تخصیص اجرت لوازم

خصوصی با دفتر اداره بهت

مکاتیب بدون

و عنوان پذیرفته نمود

ادواتک جداگانه خود بهت

قیمت اشتراک

بحداد ۵۰ قران

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول حسین کمانی

برفتن باید سر مشق بنگران بود نه گفتار

ما بی صبرانه همواره اشتیاق داشتیم که پس از فترت
ترسیم نواقص مطبوعه کتبه با اولین زینت استی
اقدام کرده مرام و مقصد کلی جمعیت را که بنام اتحاد
اسلام دو سال داندی است با فدا کارهای
فوق الطافه در جنگل گسیلان گرد آمده و در پی کوزه گفتار
و خارات مادی و معنوی، روحانی و جسمانی مینویسد
گزیده و تا آخرین دقیقه حیات نخواهند کرد
بجامه بهوطن عزیز گوشه سازیم.

تا افراد ایرانی از حال و خیال ما مطلع شده ان
حسن ظنی را که تا امروزه در داخل و خارج محفل
صدات بی پایان فراهم ساخته بخود جلب کرده
تا در تاریخ و قایم وطن بیاد کار با فدا ثابت پایدار
بباریم.
جملات چندی بعنوان برات زت مقدمه
بوض فارین گرام میرسانیم تا اگر در بعضی قلوب

و افراد ساده لوحان شک و ریبی عادت شده
باشد بکلی زایل گردد و اگر توفیقی در هر مورد مستقیم
و غیر مستقیم بلا واسطه یا مع الواسطه از روزنامه جنگل
که زبان بهت و افراد جنگلی است نخواهند انگال
صیبت صریح و میراث از الایش مد عرض جواب
حاضریم.

چندت با باناه مقصدین با با فدا ات خاستگاران
برخی اشخاص فاسد که در هر وقت امثال آنها
زادان است چه در مرکز گسیلان یعنی بهت
و چه در لایسبجان و توابع چه در غرض طوالش
و اتزلی و چه از اطلب قراء و مصبات قریب
و جوار بهت گاهی چند نفر بناگردد و بهترین که علیا
مگر کین آنها از اعضای فاسد و گسیلانی و غریبا
میرم گسیلانند خیل در پرده و بطور پنهان چه جنبه
نفراتی را برای بد نامی بهت استناد اسلام برانگیزند
اند که در سایه نقابهای عوام زیب با اسم این
بهت یا بعنوان شبه و نمایند و بگلا بهر شجده که کلن

است چنانکه گاهی شنیده میشود از لالی مبلغی هر قدر
 غیر قابل هم باشد بتوان اعانه خواست و در پی تبت
 صلاح بر میآید تا سلب رحمت و امایش از مردم
 کرده از ثانی عوام رانشته نموده و ایجاد یک فقرت
 طبیعی در دلهای صاف و پاک ملو از احسانات
 حق شناسس بکنند بالاخره اینکار بجز بیهوده
 و خیر خواهد گشت محتاج به کار نیست.

بزرگترین تر تلخ این مشوره میشود که دشمنان
 آدمیت و هواخوانان برج و مرج و مرده شیطن
 بازوهای بسیار عرس میکنند و بجزون جگر ایاری
 کرده و طالب شود غای او هستند صیت!

بگذرد وقت اولیای دولت ایران را در مواقع
 منتته و وقایع بی نظیر مصروف با لطف این نامه
 کرده و از اصطلاحات مشکلات بزرگ و اضی غایبی

باز داشته و این توقع هم گرانها که از یک طرف باید
 صرف انتخاب و کلا تشکیک دارالشرای کبری تبدیل
 بعضی از حکام مالایق و برادر انداختن چرخهای از
 کار افتاده مالیه و تنظیم طرق و شوارع و اعاد
 ایت که از تیره جنگ فافانوزار و پاپه بختانه از تویینا

و دولت متحن ایران در دو سال است متکوب بود
 و مذاکرات و قرار دادهای جدید و نسخ و الغای ای
 با اختیارات فانه برانداز قدیم و تالیف متطره
 از صلح آینه است و غیره و غیره و برف این غریبنا
 کرده و طبیبهای عازق بالین ریض را از اصطلاح
 مزاج مختصر بزرگ های مصممک و خورد و کار بیجا
 منتطف سازند.

آشکار است در راهی متمم الوجود کابینه اخیر و خوب
 ایرانیان که از منجیات مطلع نیستند فتنه انگیزان

و سخن چنان معلوم الحال به نسبت مذکور و تا یک اندازه
 بمصود خود نامل خواهند شد لا اقل قلوب ثابته
 ابرامیا ترا از این حکامات تر جو خواهند ساخت
 عاقبت لایم لایم دار اعظم (سر و امضور) و سینه لای
 و امثال آنها فرصت خواهند داد که دم جوانی گشت
 و نذرت نمایند حتی سین الملکک با و دکتر همین بنا
 (این الملکک) و سایر آتش بیار های منتظر الفرصه
 بار دیگر و لو آخرین بار و سایر دفعه جوانی غلی باشد
 وقت میدهند که دفعه بعد از وی نوبه سرانی کنند
 و از میوه خا مال حلال و ملک بر ذوال خویش که بیجا
 میگویند رفت با و آوری کنند.

پس سکوت و انزوا و گوشه گیری ما را از حقوق
 حق خویش محروم خواهد نمود و اگر در بگویم گوی صح
 گفته ایم اینک با یک صدای رسا هموطنان عزیز
 را از مقصد و مقصود اعاسی خود که مضمین اصل احترام
 اقدارات ملکنی است مطلع ساخته و بطور
 روش و عیبات تا امروز و از این به بعد خویش
 آگاه نموده مواد عمومی و دستوری های بیت انکاد مل
 را هر یک خوبه اش بوش فارین میرسانیم.

اخطار

بیت اتحاد اسلام همیشه از صمیم قلب این
 موضوع دارالشرای کبری و قوانین موقتی محاکم و اولاد
 کشوری و کشوری مصوبه بیت دولت را متصدس
 شمرده و میسارند چه وقت از جنگل یک با برف
 بیشتر صد مسلح هیچ نقطه از نقاط است و لایجان
 و ازلی و طوائش و تمام قرار و قصبات گیلان و غیر
 گیلان برای گرفتن اعانه و کمک هیچ اسم در دم
 تا امروز نوساده و هر وقت هم مد آنه بخواهند

بفرستند در حال صدق با اعتبار نامه آنکار که جزا
 و کلاً با قوانین جاریه مملکت منافعی نباشد خواهد بود
 هیچ اسم و رسم چه سران و پادشاه چه خواهرش چه به
 تهدید از نقاط دیور و قاضای کلی نموده اند
 و تابع تمام او امر مطاعه دولت تو شوک پیرانند که
 سر بر سلطنت بوجود علیحضرت قدر قدرت سلطان
 احمد شاه شاه شاه جوانخت مالک مشروطه
 ایران زمین است هیت اتحاد اسلام که افراد
 فدکاران جنگلی را اداره میکند دو سال است
 با انواع صدمات و عقوبات از تنگ آودیس
 سردار منصور با سپه داران و سپه سالاران با جلا
 و با فدکارهای محیر العقول موقه ساخته و عاقلان نظم
 و قدر دولت ایران و هیت ایران است
 و قهار روح و هیت شرمند است و قهنگر بوا
 تحریکات خیانتکاران گاهی از گوشه ها و کناره
 رزمه های دقچ کشیده میشود در این اواخر است
 با طهران دوستان قدیم (در شرم پوشیده) و آنها
 که میل دارند به هیت اتحاد اسلام و افراد جنگلی
 بخندند و عظم در همان حال مجال آنها میگردد
 یکی از شماره های جدید (اینی اقبال) شرحی که
 مابین ترجمه آژانس قارین گرام میر صاحب
 نویسنده اند

ترجمه معارف روزنامه (اینی اقبال) منطبق با کوبه مودت
 المبارک ۱۳۲۵ نمره ۶۴۵ صفحه ۲ سبتون ۴-۲-۵۵
 در صفحه ۳ سبتون - ۱

کارهای ایران

لذت نوشتن میشود پس از اینکه کیمت
 محله دست کوچک خان را عضو کرد و کوچک خان

باز هم حکمران است فعلاً در دست حکومت هیت
 حاکم ایران به تهدید کوچک خان استغفا داده است
 قونول (بلوم) از کارش کناره گرفت است
 فعلاً در انزلی هیت چون در کیمت اجازت اعلا
 واقع شد کاری نمیتواند به هیت اگر چه در کیمت
 قرار بود برای کیمت اجزایه انتخاب اعضا بشود
 معلوم هیت هیت هیت انتخاب با خیر افتاد است
 یکنه حکمران کوچک خان است جنگلی (مؤمن)
 کوچک خان تربیت یک والی مستقل داده است
 از خودش اداره های حکومتی حاکم مکتب
 حتی روزنامه هم دارد

در این روزها هیت کما فی مجاهد در محل
 معروف به کما شروع به نشر روزنامه شده است
 نه تنها اهالی دایره کوچک خان بلکه تمام اهالی شهر
 کیسان برای معاودت با و مراجع میکنند

اشخاصیکه از حکومت اصلی ناپدیدند و هیچ سانه
 گاهی ندارند فقط کوچک خان مراجع میکنند
 کوچک خان هم نمون کردن عیضه دهند
 و پناه انداختن کار آنها با توذ که دارد هیت میکند
 مقصرین را توقیف جس جرم میکند در معارف
 روزنامه هیت به جنگلی کوچک خان میگوید
 تا قوتنهای روس از ایران بیرون نروند
 ما در جنگلی نشینیم رو سها تا بقول خودشان محل
 نکته ما بجز آنها باور نمیکشیم ما بهیچکس نمی
 خواهیم هجوم کنیم اما هر کس با هجوم کند
 ما جواب میدیم هر کس بصفت دوستی نزد
 ما بیاید او را قبول میکنیم او را احترام مینمایم
 با نظره کیمت و کلاهی کیمت اجزایه راه حرام کردیم

از من سالها آمدند میان سر نشین ایجهان
 شروع شد خیلی با چون از چکولی احوال با خبر
 بودند شروع بفرار نمایند حتی اشیاء خود را
 یک قاصد داده میرودند قطار هم هیچ نظیر نشین
 های خود نند حرکت میکند

در بازاران میت هر گاه هم باشد مان
 سیاه آنهم گردانگه یک صفت پول روس است
 (انتی)

جنگل

ایک نظر انصاف و مردت بمغایین این
 داپرت که بقون (ایران اشیری) از یک طرف قضی
 روزنامه جدیدی فعال نقطه هم تقاضا را اشغال کرده
 و از طرفی اذهان ساده لوحان را با ترسک با
 و افاد های نوحخانه نویسنده راپرت مؤثر میاید
 باید نظر کرد و مابین ترجمه مقاله را حوضه انظار
 مردم منصف کرده ایم کدام حق کشی بالاتر است
 که یگانه روزند رشید عبود اسلام و ایران حضرت
 آقای میرزا کوچک خان را که بجز حفظ اساس و پایداری
 و اخراجات نامه شئونات دولت عالی ایران
 در قیامت آتیه و تائین شرف ناموس ایرانیان
 قصدی ندارند بچه عنوانات توپن آمیز جلوه
 میدهد نیز زحمات همین دستور پاک فطرت طبع
 احمد آقا را که اساس وطن پرستی و دیانت
 دوستی است و با ازاد جنگلی جنت بیت است
 اسلام بجز خدمت بدین و دولت از زنده نگه داشتن
 تا امروز و تا آخرین نفس منظوری نداشته اند
 پیوده و بدر معونی کرده از یک طرف صبری صفا
 محو نیز احاسات می شناس جنگلی با در باره ملت

روز بروز بقوت دست کوچک خان افزوده
 میشود و روز بروز نفوذ و احترام کوچک خان در
 میان انالی گیلان افزوده میشود و آنرا نفوذ
 کوچک خان هم دست میدهد و غلبی ممکن
 است که گیلان در دست قلبی از ایران مجزاشده
 یک دالی مستقل شود.

این ایام در لسکو و دوسر کردگی پسر حاجی محمد خان
 تاجر بائی رشت یک دسته قوله وری پیدا شد
 دو سال قبل همین شخص بواسطه قتل از دستخا فوله
 کرد و با دسته خودش انالی دایره لشکر وده اعلی
 اذیت کرده او را در سابق از مبارزه با آنها با خبر
 بود در این روزها از جهان دست کوچک خان بگریخت
 میکنند کوچک خان فی الفور دست خودش را
 میفرستد تمام قتل دور با با هم کرده کرده
 آنها را توقیف و یک یکه و شراک بان دست کرده
 بودند آنها را هم توقیف میکند قطار برسی ازاد کردن
 آنها مبلغ کلی میخواهد خیلی از صاحب ثروت
 و خواستگاری در دایره دور شهر بسته نزد کوچک
 خان آمده پول میدهند.

این روزها در انزلی ایجهان بزرگی بود اینهم در ایجهان
 هجوم آوردن سالها آنها بد کاکین بطهور رسیده است
 سالها اجاره و بر روی پسیس مانده برای آنها ترکان
 کرده آنها را از محمی کرده اند انالی و دست قتل
 بنجالی این بودند که طالش با بشهر هجوم کرده اند
 دکان بازاری بسته میشود و انالی شروع میکنند
 خود را از این پنهان کردن بعد از گشتی (تقریباً)
 پلیس و طرح می آید پنج نفر را توقیف کرده و بعضی فوله
 میکنند بعد از آنکه در ایستگاه پیر بازار برای

آزاد دیکرات روس الوده باواض حیثی که
 خود نموده و در هر فراز بلکه هر کله از زارت مفدا
 تولید یک نفاق تازه خواسته است بکند بایک
 دست دست و داد اتحاد و حق شناسی را
 که ملت قادر توانایی عالم و صدیق حالیه روس
 بایرانی مبتلا، بایرانی رنج کشیده و خانان سوخته
 با یکدیگر استی و درستی خوشبختانه داده اند از
 یکدیگر میخواهد در کمال وقاحت جدا کند و از یکطرف
 جنگلی یعنی اولادهای صدیق رشید غیور ابرار
 یکفر متجاوز متدی ظالم حار بلکه جانی متوفی کرده
 حتی باین مقدار خیانت هم اکتفا نموده جنگلی ریاضی
 و طاعنی و گیلانرا بعقیده منحوسه میثوبه خود
 از ایران میخواهد بجزا کند و بکلمات سکین
 زال، امارت، حکمرانی، استقلال، نفوذ
 و غیره و غیره مشتم نماید.

هر چه هست از قامت نامازی اندام ما است
 دشمن را کدام خان امیدوار میکند محروس
 وقت انگیز راه چهر تجر می دهد؛ زبان گانو نهی
 فاد راه گویا میکند؛ بی تجربه گی؛ بی شبانی؛
 بی خبری؛ ساده گی؛ ساده لوحی؛

هموطنان

مقصود از اد جنگلی خاصه ستونهای امانت
 دیانت بوستین این اساس حاج احمد آقا
 و آقا میرزا گوچکان که این دو نفر خد متکدر صدیق
 ایرانی بجز خدمت باسلام و ایران چیزی نیست
 حفظ حفظ اساس دین اسلام و اتحاد مسلمانان
 اتفاق افراد خد متکدران کثوری و لشکری

است و پس

اشخاص خائن و طماع که موقعی بدست میاورند
 و با دعای سستی نسبت اتحاد اسلام و در سایه
 نقابهای آدم فریب در قراه و قصبه های گیلان
 گاهی با رسم شعبه زمانی بنام نمایندگی باغی باغی
 جعلی و قوی با مکتب خیانتانه مدنی سلب است
 و امانت گیلانی بر میآیند از این ساعت با
 با صدای رسا آنها را خان دین و دولت ساخته
 و به نوم ملت ایران حیثی شناسانیم و بر زور پند
 یعنی پس از ایشا شماره پنج از روزنامه جنگل
 به نوم انالی احطار میکنیم تمام این پارتی بار از
 در دور ابرزن و یاعنی و سمرقند او امر مطاع
 شاهنشاه جو اجبت سلطان احمد شاه شاه
 با سخر اطاعت او امر واجب الاطاعه گامینه
 رسمی محبوب ملت ایران خیالی نذاریم تمام فاکتور
 و تحمل صدات شاقه و یگانه آزادی مانت که
 افراد ایرانی دست بدست هم داده مبارزه
 اطاعت و انقیاد را از سلطان مشروطه خواه
 ایران و گامینه و رزای حیثی شناس محبوب ملت
 داشته و تا آخرین نفس این خیال مقدس
 بی تردید و تغییر و تبدیل واجب العمل بنهیم
 آنها که ساری بازی و ادعای عضویت
 با اسم های مختلفه و با سسهای گوناگون باین
 رعایای دافله و خار و تو بید اختلاف میکنند
 آنها که دامن باتش هسته میزنند آنها که اسم
 احزاب مختلفه را در گیلان محضو ما بنمودند
 مالی راسته میکنند یول با اسله از مردم میگردد
 عنقریب علی روس الاشها بکفر احمال
 خائنه خود خواهند رسید جمعیت و ملت اتحاد

حل مسامحه طوالتش و فدا میان ملت و اسلام

آنجا که بر قدر محض هم باشد از سرگذشت دو
 سار نعمت اطلاع اجمالی دارند حتی فارین جریه
 جنگل از اختلافاتی که مانع اتحاد آقای امیرمقتدر
 با فدا میان جنگل بود آگاه شد و میدانند
 یک قطعه بزرگ معتاد به گسیلان بخت آتیرکها
 دستهای دو نیت و نفاق از شرافت برادری
 و برابری و معیت واقعی محروم ماند گاهی بجز یک
 این دو وقتی با فدا آن دو سال تمام بود
 علاوه بر بدبختیهای خارجی مبتلا باین کمیت
 شرم آور اختلاف داخلی بودیم چنانکه ملکه اعدا
 و تحریکات اخیر سردار منصور با سپه دار اعظم
 که در شماره ۳ و ۲ شرح شد و بعد از این مرتبه
 درج می شود بهترین شاه اشیا است ایند عار است
 اگر امیرمقتدر و کسان ایشان و پسر مقتدرین
 طالش حمله میکردند چنانکه مرکز اتفاق افتاد
 به فیر سینه فدا میان اتحاد و اسلام بود اگر
 جنگلی دفاع میکرد و بابت برادران یک آب
 خاک و اولاد یک دین و این یعنی یک فتنه
 بر قدره پیر ساید شاه گاه تیر اجبار و ناچار
 با بیبارتی و تیر بد نمی کند
 یک طینت پاک یک ایرانی همان بنور
 که سرود اتحاد و اتفاق را در فراز و نشیب
 تپه ها و ماهورهای سیلانی و قشلاقی طوالتش
 و فومن ملجن سو شری خواند که صد برادر را
 بیعت و اتفاق دعوت نماید .

اسلام محتاج باین رزالت کاریها نبوده و نیست
 نه از رشت نه از لایحجان نه از ازتری نه از غمته
 طوالتش با مجله و ریچیک از تو او گسیلان باین
 ساعت صبح هجدهم درسم دیناری نخورستند
 ساعتی که در آفتاب به اقدام شروع دست بردند
 مطابق تمام قوانین جاریه مملکت و اصول و اصول
 کلی و جزئی و این موضوع در اراشورای کبری
 که لقبه امال فدائیان ایران است خواهد بود و
 وزرای امین و صدیق و وطن دوست ایران
 خاصه وزرای کابینه عالیه پیشقدمهای آزادی
 و مقروض الطاعه اند

ما بنام الهی گسیلان میگوئیم شایان دست اند
 تمام پارتی باری و ششایدی بکلی باید کشید مرکز
 رشت و تمام قرا و قصبات را بگذارند که بگذرند
 فلاح و زراعت صنعت خدمت مشغول باشند
 اینک اینکه در تمام گسیلان دیناری به رسم درسم میگویند
 داده اند فوراً بوسیله یکی از جراید رشت بکلی از جراید
 مرکز تهران میواند مقدار نقد با جنس که از او
 گرفته شده با شخص گیرنده فوراً اعلان کند افراد
 جنگلی خارج از دایره فومن و نفاطی که محل اجتماع
 آنهاست بپسوجه اقدامی که راجع بیکب است
 باشد از قبیل اسلحه یا پول تا امروز گرفته همه
 ساعتی بخواهند بگیرند مدتهاست یک مرکز ام و
 غنی خواهد بود که تمام امالی قبلاً مطلع خواهند شد
 و ای بحال آن خائنین که با اسم جنگلی در تهران هم
 شروع بگوشش بزی و اخاذی کرده باشد
 جزای خائن در صورت اثبات اعلام است
 پانصد مباد مجازات

سهامی لایحل طالش روز بروز کثرت
 میکرد و چند نفه فیما بین جنگهای سخت اشاق افتاد
 و طرین تلفات بزرگ را دادند که با آنچه اویم و
 قایح دو ساله را بخت در این شاهه شرح و بهم
 تمام تلفات چه از طالش چه از فدایان جنگل
 از ایران بود براده براده خود را هدف تیر نمایی
 قرار میداد تا بالاخره در عر اول رمضان قتل
 معروف جنگل و کتر حشمت از طرف هیئت اشاق
 اسلام بر کرده گی یکده سته از فدایان جنگل
 مامور تصفیه امور طالش شد و چون از اول
 عر ثانی رمضان (ماه جاری) با قصای فصل
 امالی غالباً بر حسب عادت بر سیلاب رفته بودند
 و کتر حشمت نیز باد سته که در تحت فرمان او
 بود به سیلاب رفته جنگ در گرفت مجروحین و
 مقتولین طرین را هر قدر مقدور بود بقاطلی که
 برای معالجه معزز شده بود روانه داشتند
 و کتر حشمت که یکی از فدایان در سگار و کلا
 توجه تمام هیئت اشاق و اسلام است با شدت
 حرارت هوا در سنگر های هولناک سیلاب چند
 روز بود که با کمال جدیت شب و روز بدون توقف
 راحت مشول انجام نامورین خود بود و کار جنگ
 بالا کشید هر مان معروف حیرت آفریزه از کله چینی
 با تقریباً نصف فدایان بطرف خودت جنگ روانه
 شدند متین است مسافت از مرکز اجتماع جمعیت
 بیسی از فوس و کما با سیلاب طالش هم بسیار است
 و هم خط حرکت فوق العاده صعب الورد و هم پایدان
 صفات آرزو از مرکز بان نقاش غیره حصول و
 طلاوات همه که بر کرده گی و تحت فرمان برادر

شجاع حرکت کرده بودند پس از دو روز علی صانفت
 و حرکت لایقطع نقطه معهوده رسیدند و در آن
 محاربه شدت فوق التصور شدید و در نیم گشت که
 ما در این موضع چون تمام قصبه بخیری و خوشی و سعادت
 و شرافت برای طرین فائمه یافته بنیما هم با قلم صیف
 آرائی کرده و شجاعت و شادت برادر را در مقابل
 برادر پرشته تحقیر در آوریم و این گیر و دار که از هر تهای ستم
 برشت و طهران و سایر نقاط شاهه مانند یک آدم
 منصف و سدیدین در شید در این میان لازم بود
 که اولاد ایراز را برود عاقبت کار مطلع نماید.

سرودش اشقاد و سرود برادرگی
 آقای رشید الممالک شقانی که مختصاً لاین همه نوع نیایش
 و شخصی صاحب نفوذ و عقل و درایت و یگانه طهران سنین
 مرد و کی است اولین شجاع خمیدی که قدم بیدان اصلاح
 گذاشت ظلم از عهد شکر گذاری خدات این فرزند عبود
 ایران عاجز است و آزار میکنم که هر چه در خصوص
 صفات محدود و ایش ان گوینم کم گفته ایم پس از هیئت
 و شجاعت و غیرت اسلامیت این یگانه مرد و اولاً بخبر
 مکاتبه و تحصیل حضرت از طهران آزادی میرزا کو چکان
 سنگر های فدایان جنگل آمد و بعد از تمام مذاکرات و
 مدتی توقف بطرف آقای امیر معتمد سعادت کرد و سیاحت
 و مسافرت آقای سلطان الواعظین خطابی و آقای شایسته
 سلطان پیکار بایه خطابی و آقای ناصر دفتر خطابی
 و آقای شیخ الدوله و آقای انوشیروان خان که کارزودی
 شروع با صلاح و اتحاد و اتفاق فرمودند جنگ از
 طرین موقفاً متار که شد آیات رحمت و سرودش
 و بیانت و سرود یگانگی از طرف آقای رشید الممالک
 با صدائی رسا تمام آنگه و در جوار ابلاغ شد.

تا تو انیم حق محمد تو گفتن - ای همه که زبان عالم بالا
 پس از آن چهار روز رفت و آمد و گفت و شنید و
 اقدام و انجام با نصایح مستفانه و مواظطه مرده آقای
 امیرمقتدر طلاقات برادر رشید خود تهران
 آزادی آقا میرزا که مکنان موفق شدند و دوستی که
 تا ساعتی پیش با حیات یکدیگر طرف بودند چنانکه
 بابت هدیه روح به یک قالب شدند و مراسم
 اطلاق و تحلیف و اتفاق و اتحاد کاملاً بعمل آمد
 و جنگ یکباره و بالکلیه فائز پذیرفت از دستم
 رمضان طوفین با کمال محبت و برادری از تمام
 سواران و خطاهای گذشته گذشتند.

در رکاب تهرانان اسلام و ایران آقا میرزا
 که کنگران و آقای امیرمقتدر که از امر و جوان
 این از امیرالجهاد بن نامیده و آقای رشید الممالک
 که اسس اساس این اتحادند و امر و بیکانه محل
 توجه بیت اتحاد و اسلام است و آقای برادر
 سلطان و آقای ناصر و فر و آقای سلطان
 ابو عین و آقای انوشیروان خان و آقای شیخ
 الله که یکدل و یکجبهه روز چهارشنبه ۲۸
 رمضان ۱۳۶۵ یکسای فومن ورود و موجوده
 شرح شادی و شفا مالی فومن از ورود این
 فرزندان رشید ایران و استقبال شایسته از
 طرف هیئت فدائی جنگل گسلان آقای حاج احمد
 و تمام سرکردان تمام فدائیان جنگل و شاکردان
 نوآموز این صفحات بعمل آمد بدون از قوه
 قلم است اینک تمام سواران و سرکرده های
 آقای رشید الممالک و آقای امیرمقتدر را بر این
 و صفات ذوالذکرها و در روح و در بکت بدن

در روزی از جنگی فوق التصور و واقعه اخیر
 چون آمد و شرایط اتحاد و اتفاق را کامل
 بعمل خواهند آورد و از این به بعد فکرات و محرمات
 خانانه سپه دار اعظم و سپه سالاران و سپه
 الممالک و دکتر اسمعیل فائزهای جاسوس
 اجانب که در اداره روزنامه جنگل ضبط و در
 آتیه بنظر قاریین گرام میرسانیم لوث غمی و
 فومن و طوالش کاملاً در تحت فرمان و اوج
 الازعان شاهنشاه ایران دکابینه و وزاری
 محبوب ملت و دارالشرایع آتیه اند.
 باقی دارد

حضور محترم مدیر روشن ضمیر جریده فیده جنگل
 و است افتخار فائزانه متنی است که بنام معارف شریف
 دارد روزنامه مبارک که درج فرمایند.
 قبل از حرکت از دست دبستان و روسی اگر
 در دست در سالیه اجناس و وحدت و مصارف زیاد
 که مالی محترم بخوبی مستحضرنده با سامی مختلفه و بیرون
 نمود موجوده و کاسبانه از و فضا کرده بر گدازها
 معارف خواه حقیقی آقای حاجی محمد علی آقا شاعر
 تبریزی و چند نفر دیگر از قبیل آقای فدائی تبریزی
 که فدائیان نیت بعالم معارف مشهور است نمودم
 حاج مونی الیه از دربار که تاکنون را در دست دارم همه
 قسم مساعدتهای مالی و معنوی با آن دبستان نموده.
 و بنام معارف پرژون از نامه های ایشان کمال زحمت
 را دارند و امیدوارند که در آتیه پیش از پیش در دوام سرور
 و میل تحصیل اطفال آن دبستان معانی بلکه این دبستان که بنام
 نامی زنده کنند زبان پارسی (حکیم ابوالقاسم و در)
 تاسیس شده باید بازند در هر در نظر من اعلی